

تعاونیهای کشاورزی را توسعه دهیم

قسمت دوم

از: محمود زارع زاده



برای روستائیان تعریف می‌کند و در عین اینکه به حفاظت از محیط زیست می‌پردازد از ظرفیت تولید منابع طبیعی نیز حفاظت می‌نماید. توسعه پایدار بر آن معتقد است که نیازمندیهای غذایی نسل حاضر و آتی بطور شایسته تأمین گردد و علاوه بر آن نیازمندیهای نسل حاضر و آتی جامعه انسانی فراهم گردد و در جامعه فعالیت‌های بادوام و قابل قبول اقتصادی و اجتماعی حاصل گردد.

بطور کلی توسعه امر دلخواه و مطلوبی است که همه ملتها درصدد دستیابی به آنند. توجه به درون و شناخت عوامل برون بویژه سیاست‌های حاکم بر جهان، راه را برای توسعه هموار خواهد کرد. پرهیز از ایجاد تنش و نیز یومی کردن الزامات و لوازم توسعه موضوع توسعه را قرین به دسترسی خواهد نمود.

در رأس تفکر توسعه، حضور مردم و مشارکت جدی مردم چه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی واجب‌الرعایت است. آگاهان به مسائل توسعه و نیز خیرخواهان مردم بایستی برای توسعه، مردم را در رأس برنامه‌های خود قرار دهند و تمامی

بطور کلی می‌توان گفت که هدف اصلی توسعه کشاورزی کاهش دادن فقر است و ابزار قیمت در این راه گو اینکه چندان هم قوی نیستند ولی بمنظور تعقیب این هدف استفاده از آن ضرورت دارد. از طرف دیگر باید توجه داشته باشیم که یک شیوه عملی که بتواند سیاست‌های کشاورزی را در کوتاه مدت و دراز مدت متعادل سازد لازم و ضروری است.

به این نکته باید توجه داشت که امر توسعه یک امر پیچیده و چند بعدی است و نمی‌توان صرفاً به یک نظریه از توسعه برای دستیابی به آن دلخوش و خوش بین بود و در سالهای اخیر نیز برای پاسخ به این پیچیدگیها موضوع توسعه انسانی با تأکید بر توسعه پایدار و محیط زیست مطرح گردیده است. توسعه پایدار بر توسعه‌ای تأکید دارد که نسل امروز توسعه یابد بدون اینکه خدشه‌ای به نسل آینده وارد سازد و در رأس این بینش از توسعه، قرار گرفتن مردم در رأس همه جریانهای توسعه می‌باشد. توسعه پایدار بر توسعه‌ای بر اشتغال دائم، درآمد کافی و شرایط کار و زندگی مناسب و شایسته را

برنامه‌های آنان می‌بایست حمایت از این توجه را در برداشته باشد. خوش بین بودن بی‌مورد توسعه را تحقق نمی‌دهد و توسعه با کار و کوشش تحقق می‌یابد. کار و کوششی که فراگیر باشد و تقویت کننده باشد، تقلید کورکورانه و تئوریهای وارداتی توسعه چاره دسترسی به توسعه نیست، عزم ملی و استقرار عدالت‌وریشگی کفایت فقر هدف توسعه باید باشد.

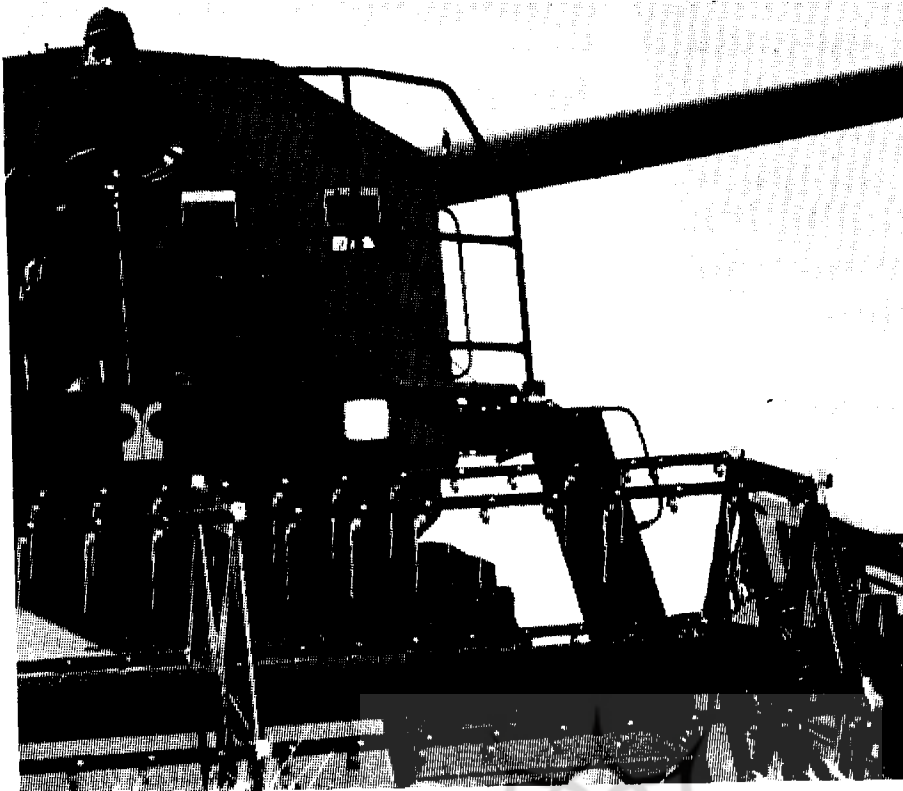
از آنجائیکه نوعی شیوه مدیریت که با حضور مردم نیز سر و کار دارد و می‌تواند در جهت تأمین عدالت گام بردارد یعنی شیوه تعاونی، این مقاله دولتمردان و همه دلسوزان جامعه را در جهت تقویت این شیوه دعوت می‌نماید. شیوه تعاونی در قرن نوزدهم بعنوان یک روش معجزه گر برای تصحیح اقتصاد لجام گسیخته بصورت یک نهضت آغاز شد. این شیوه در تمامی قرن بیستم نیز و در دل هر نظامی و هر حکومتی رفتار برتر خود را نشان داده است و امروز در اکثر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی حضور دارد. گرایش به این شیوه گرایش و میل به تأمین بهتر و مطلوبتر عدالت اجتماعی است. توزیع ثروت، ایجاد اشتغال مولد، خودیاری و دگرخواهی در این شیوه بهتر از بقیه روشها می‌تواند کارساز و چاره ساز باشد.

نظر بااهمیت تعاونی‌ها بخصوص استقرار تعاونیها در بخش کشاورزی در ادامه مقاله سعی بر معرفی این شیوه و پیوند آن با بخش کشاورزی خواهد شد.

تعاونی چیست؟

تعاونی یک فلسفه عملی است که به ساختن جامعه غیر استثماری و ارزش گرا، توسعه جامعه با رضایت و آگاهی مردم، ارتقاء آن با همکاری و همبستگی، هماهنگی و آرامش معتقد می‌باشد.

بعبارت دیگر تعاونی‌ها که از بنیانهای محکمی که خود ناشی از طبیعت انسان است نظیر اتحاد، اقتصاد، انصاف، آزادی،



دموکراسی و مسئولیت پذیری، و آموزش در خود ظرفیت هائی را بوجود می آورند که آنگاه می توانند کار و ارزش اخلاقی را با هم ترکیب کنند.

یک مؤسسه خصوصی نیز ممکن است تعدادی از بنیانها را دربر داشته باشد اما هویت آن بر محور سود بیشتر استوار است، درحالی که تعاونی با توجه به مفهوم آن یک مؤسسه مردمی و منحصر بفرد است. اقتصاد بخش تعاون شایستگی هائی را که در سایر بخش های اقتصادی مطرح است دارا می باشد، تعاونیها ضمن اینکه ابتکارات فردی را که ویژگی مثبتی است تشویق می نماید در عین حال به مساوات و برابری و قسط و عدم استثمار و بهره کشی می پردازد و آنرا تقویت می نماید.

تعاونیها در اقتصادهائی که هم بخش عمومی (دولت) و هم بخش خصوصی حضور دارند نقش برجسته ای در متعادل ساختن این دو بخش ایفا می نمایند. بنابراین تعاونی بخشی فعال از یک اقتصاد پیویا و ملی بحساب می آید و خوشبختانه قانون اساسی ما نیز بر آن تأکید نموده و آن را به رسمیت شناخته است.

تعاونی بر این اعتقاد خود راسخ است که نیروهای بازار وقتی با توسعه تعاونی سالم همگام شود می تواند در اجرای عدالت اقتصادی موفق تر باشد. مواردی نظیر برده می بودن، دو جانبه بودن، صداقت و بکپارچگی برای تعاونی ها نوعی ارزش و سرمایه دائم بحساب می آیند و بر اساس این اعتقاد تلاش بر اصلاح سایر ساختارهای ناهنجار اجتماعی اقتصادی داشته و بر آن تأکید می نماید.

خصوصی سازی ممکن است آثار مثبت از خود برجای گذارد و بعضی از مشکلات غیر طبیعی که در اقتصاد وجود دارد را بطور موقت برطرف سازد اما اگر اقتصاد نتواند ارزشهای اجتماعی را نیز همزمان با رشد خود که متکی به ارزشهای

اصولی می باشد تشویق و حمایت نماید آنگاه فاجعه بار خواهد آمد. تعاونیها همواره می توانند خدمات ارزشمند خود را در عرصه های مختلف اقتصادی و علمی و تحقیقاتی و بازرگانی ایفا نمایند. تعاونیها مستقل از دولت ولی در راستای اهداف و سیاست های کلان کشور بهتر از هر شیوه و تشکیلی دیگر می توانند در توسعه ملی بعنوان یک ابزار مطمئن شرکت نمایند. رابطه تعاونیها با دولت یک رابطه تقویتی و حمایتی است و اگر رقابتی هم وجود داشته باشد میدان آن رقابت در جلوگیری از تضییع منافع عمومی است که معمولاً توسط بخش خصوصی و بصورت ناسالم بوجود می آید. رشد و توسعه تعاونیها بی تردید در بطن خود رشد و توسعه کشور را در قالبی از صداقت و سلامت به همراه دارد و از این روست که لزوم حمایت و پشتیبانی دولت از بخش تعاون همواره می تواند مفهوم بالندگی و سوق دادن جامعه به اهداف بلند عدالت اجتماعی را همراه داشته باشد.

اقتصادی و اجتماعی قابل ارزیابی است و شاخصه های آن را می توان در پیوند دادن کار، توزیع درآمد و عدالت اندازه گیری نمود. از این رو می توان تأثیر تعاونی بر جامعه و فرهنگ آن را نیز مشخص ساخت. مقوله ها و مؤلفه های از قبیل، ایجاد فرصت های شغلی، تعادل و توزیع ثروت، ایجاد امکانات سرمایه گذاری، ترغیب کار مولد و بهره گیری صحیح و اقتصادی از سرمایه های خرد، تعدیل در دخالت اقتصادی دولت، جلوگیری از تمرکز اقتصادی و انحصارات، گسترش و توسعه مشارکت عمومی، ممانعت از فریبکاری اقتصادی که بی تردید در مباحثات اقتصادی هر کشوری وجود دارند، این دیدگاه را در مسئولین و سیاست گذاران بایستی تقویت نماید که با چه راهکارهائی می توان به تحقق آنها امیدوار بود. تجربه ها نشان داده اند که سازمانهای تعاونی موفق تر از هر تشکیلاتی دیگر همراه با این مقوله ها و مؤلفه ها بوده اند.

پیشگامان تعاون یا بعبارت بهتر پیشگامان

نهضت تعاونی را باید صاحبان اندیشه‌ای دانست که کوشش آنها بر این مینا استوار است که چگونه می‌توان مردم را بهم نزدیک ساخت، و اوج این اندیشه را در قرنهای ۱۸ و ۱۹ یعنی زمانیکه انقلاب صنعتی در اروپا آغاز شد و نظریات اقتصادی هنوز مراحل اولیه خود را طی میکرد دانست. شروع انقلاب صنعتی و استفاده از ماشین در امور فعالیت‌های اقتصادی و به‌مراه آن نوعی نگرش افراطی به رقابت منجر باین شده بود که صاحبان ماشین خود را مجاز بانجام هر کاری برای کسب مال و ثروت می‌پنداشتند. دیدگاه افراطی به اصالت فرد این امکان را فراهم آورده بود که هر نوع تحقیری به طبقات فقیر اقتصادی مجاز شمرده میشد و البته بعضی از نظریه‌های اقتصادی نیز کمک و حمایت از این دیدگاه بوجود آمده بودند. مضافاً بر آن سوء استفاده از نظریه تکاملی داروین نیز باین نگرش افراطی دامن میزد و چنین نتیجه‌گیری معکوس میشد که:

برو قوی شو اگر راحت جهان‌طلبی
که در نظام طبیعت ضعیف پایمال است.
در این هنگام بود که تعدادی از نظریه پردازان به منظور چیرگی بر خشک اندیشی ناشی از اصالت فرد، موضوع جامعه‌گرایی را مطرح ساختند و به تبلیغ و انتشار آن همت کردند و راهکارهای عملی آن را نیز پی‌ریزی نمودند.

نظریه جامعه تعاونی بعنوان یک نظریه برتر بزودی بعنوان یک اندیشه عملی توسط اقدار فراوانی از مردم پذیرفته شد و بدین گونه انتقادهای شدیدی به نظام اقتصاد بازار رقابتی وارد آمد و به شکلهای گوناگون گسترش و توسعه یافت. جامعه تعاونی موضوع اتحاد را بجای رقابت مطرح ساخت و از این روی اتحاد بعنوان یک اصل متعلق به اندیشه تعاونی درآمد. با به صدا درآمدن ناقوس دست برداشتن از تعصبات فردگرایی در نیمه

دوم قرن نوزدهم پنج شرکت تعاونی اصلی بعنوان راهکار عملی اندیشه جامعه‌گرایی در زمینه‌هایی مانند تعاونی مصرف کنندگان، تعاونی تولیدی کارگران، تعاونیهای اعتبار، تعاونیهای شهری و روستائی و تعاونی بازاریابی و عمل‌آوری محصولات کشاورزی تأسیس شدند و توانستند توانائی خود را و همچنین ارزشهای اصولی اجتماعی اقتصادی خود را در برابر اقتصاد لجام گسیخته لیبرالیسم به ثبوت برسانند. کارکرد مناسب و مطلوب این نوع تعاونیها بسرعت در سراسر اروپا گسترش یافت و سپس بعنوان یک راهکار اندیشمندانه به بقیه قاره‌های جهان اشاعه یافت. هر چند بعدها دنیای سرمایه داری بمنظور حفظ و توسعه خود از اصل اتحاد نیز همگام با رقابت برای خود بهره جست و از طریق ادغامهای افقی و عمودی به روش یکپارچه شدن پرداخت اما امتیاز اصل اتحاد مربوط به تعاونی است نه شکلهای دیگری از بازار اقتصادی. اصل اتحاد در تعاونی‌ها پیرو تحقق دست آوردهای اجتماعی‌ای بوده است که نظریه پردازان تعاونی در سر می‌پروراندند.

تقلید کورکورانه دنیای سرمایه داری از اصل اتحاد در اوایل قرن بیستم تاکنون موجودات بی‌قواره‌ای را مانند کارتلها، تراست‌ها و غیره بوجود آورده است که در واقع بخشی از محرومیت‌های اجتماعی اقتصادی جهان سوم مرهون این غولهای زشت اقتصادی است و البته نظام اجتماعی مورد نظر جامعه تعاونی از اتحاد هرگز درصدد استعمار و بهره‌کشی از انسانها و قابلیت‌ها نیست. مروری کوتاه بر عملکرد شرکت‌های چند ملیتی و بزرگ که بخش عظیمی از عملکرد بازرگانی جهانی را بخود اختصاص داده است و از این رو خسارتها و زیانهای وسیع به بازرگانی کشورهای جهان سوم وارد ساخته است حاصل تفکری است که ستون خیمه سرمایه داری

یعنی کسب سود بهر شیوه و روش را تشکیل می‌دهد.

بازرگانی جهانی بسیاری از کالاهای کشاورزی نظیر قهوه، موز، چای، که تولیدات منحصر بفرد کشورهای جهان سوم بخصوص فقیرترین آنها می‌باشد در دست شرکت‌های فراملیتی اروپائی و آمریکائی است. و تقریباً بیشتر از نیمی از فعالیت‌های بانکی و بیمه‌ای در جهان در دست تعدادی از شرکت‌های فراملیتی است که عمدتاً متعلق به آمریکا، ژاپن، آلمان و فرانسه می‌باشد. اکثریت ساخت و توزیع دارو و نیز سموم دفع آفات در جهان در قلمرو فعالیت فقط چند شرکت فراملیتی اروپائی و آمریکائی است. این شرکتها مطابق با قوانین استثماری سرمایه داری اداره می‌شوند و تمامی هزینه‌های علمی و تحقیقاتی و تبلیغی خود را از کیسه مردم مستضعف جهان سوم تأمین می‌کنند و اصلی‌ترین تفکر آنان نیز کسب سود است. شرکت‌های انگشت شمار فراملیتی تا بدانجا پیش می‌روند که حتی فرهنگ مردم جهان سوم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند و از این رو نیز برای خود کسب سود می‌کنند. اگر اقتصاد کشورهای جهان سوم نیز ضربه ببیند که دیده است این شرکتها را بساکی نیست. اقتصاد سرمایه داری برای دموکراسی، آزادی و انصاف اهمیتی قائل نیست، چنین نظامی اعتقاد دارد که تولیداتش به کسانی که از بالاترین قدرت در معاملات برخوردارند باید برسد. این نظام گرچه رفاه اجتماعی را بوجود آورد است اما محرومیت‌ها و بدبختی‌ها را نامنی‌ها، و کشمکش‌ها و ناهنجاریهای بسیاری را نیز سبب شده است.

در مقابل ظلم‌ها و ناامنی‌های حاصل نظام‌های استوار بر رقابت و کسب سود بوده و با ظهور انقلاب صنعتی در غرب که به کمک بعضی از نظریه پردازان اقتصادی هویت اصالت فرد را تعریف

آمارها حکایت از آن دارد که در اکثر کشورهای خاور نزدیک که کشور ما نیز در آن قرار دارد و بویژه آن دسته از کشورهای خاور نزدیک که جزء کشورهای کم درآمد می باشند، نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی کمتر از نرخ رشد جمعیت بوده است و در نتیجه حجم واردات محصولات کشاورزی و بویژه مواد غذایی در این منطقه افزایش یافته است. نسبت خودکفائی در محصولات کشاورزی در دهه ۱۹۸۰ در خاور نزدیک به ۷۵ درصد رسیده و در تعدادی از کشورها نیز از این حد کمتر است. درصد خودکفائی در سالهای دهه ۱۹۶۰ در این کشورها صد درصد بوده است.

تسمجید می کردند. اندیشمندان و صاحب نظرانی پیدا شدند و اندیشه ای را بنا نهادند و با یافتن راهکارهای عملی آن نسبت به پاسخ دادن سئوالاتی که در جامعه مطرح بود پرداختند. پیشگامان نهضت تعاون اقتصاد را بنحوی تعریف کردند که ضمن کارآبودن می باید بر ارزشهای انسانی نیز اتکا داشته باشد. آنان اقتصاد سالم را این گونه تعریف می کردند که در آن کالا و ملزومات و با کیفیت مطلوب بدست همه برسد. و منصفانه بودن رفتارهای اقتصادی را برای جامعه ضروری می دانستند. متفکران تعاونی بر این عقیده بودند که برای دستیابی به یک اقتصاد کارا و اخلاقی و منصفانه باید قدرت را به مردم داد و مردم یعنی اعضای تعاونی برای حفاظت از این قدرت بر کار مدیران بایستی حتماً نظارت داشته باشند. نیروهای جامعه یعنی تولیدکنندگان، مصرف کنندگان، کارمندان، کارگران، وام گیرندگان، پس انداز کنندگان، صنعت گران و سفارزه داران کوچک، کشاورزان و روستائیان و دیگران در اندیشه خود در جستجوی پاسخ باین سوال هستند که چگونه می توان نظامی را شکل داد که منافع گروه وسیعی از این اقشار تأمین شود و یا بعبارت دیگر عدالت اجتماعی را که تمامی انسانها خواستار آنند تحقق یابد. طبیعی است پاسخ باین سوال بسادگی طرح موضوع نیست و طبعاً به اقدامی هوشمندانه و اندیشمندانه نیازمند است. تعاونگران و علاقمندان به ارزشهای



اجتماعی، اقتصادی، جامعه تعاونی را برای پاسخ به سوالهای فوق معرفی نمودند و فلسفه عملی خواسته های مشروع انسانها را بصورت تشکلهای تعاونی بنا نهادند.

تعاونیها سازمانهای اقتصادی اجتماعی انعطاف پذیری هستند که به اتکاء منابع معتبر خود یعنی امکانات مادی و معنوی اعضای بوجود می آیند و تشکیل دهندگان این سازمان با یکدیگر توافق می نمایند که یک دسته یا دسته ای از مشکلات خاص که بین همه مشترک می باشند نسبت به حل آن اقدام و همکاری نمایند. سازمان تعاونی اداره اعضای را

بعده ندارد بلکه اداره امور مشترک آنان را بعهده می گیرد و به نظم در می آورد. تعاونیها سازمانهای رسمی و قانونی هستند که از یک سلسله عملیات و اقدامات قانونی مبتنی بر اساس نامه و آئین نامه که کلیه فعل و انفعالات اقتصادی و اجتماعی را در داخل یک گروه جمعیتی پیش بینی و محدود و مقید می سازد تشکیل می شوند و همه اعضا ملزم به رعایت آن می باشند. تعاونی در عین اینکه در داخل خود سخت گیر و مقید بحفظ چارچوبهای محکمی نظیر وفاداری، کارافتخاری، و غیره و می باشد ولی در بیرون از خود بارفاقت و دوستی عملی نمایند. مالکیت در تعاونی در اختیار مالکان آن یعنی اعضا می باشد و اعضا نیز آن را بنحوی هدایت می نمایند که ضمن افزایش کارائی آن سلامت نیز تضمین گردد. تعاونیها در واقع شیوه ای از اداره امور است مشترک اجتماعی اقتصادی انسانهایی است که در آن اظهار نظر اعضا و سپس تصمیم گیری آنان در سرنوشت سازمانی که خودا بوجود آورده اند فوق العاده موثر است.

ساختار تعاونیهای مدرن و امروزی در اکثر موضوعات اقتصادی نظیر همکاری و مشارکت، اتحادیه های صنفی، انحصارات، بازار سرمایه و انواع سرمایه گذاری، حق مالکیت، دموکراسی صنعتی، انواع سهام و توزیع آن، مسئله بیکاری و اشتغال، مدیریت و کارفرماری وارد شده است و مورد بحث و مذاکره صاحب نظران قرار

گرفته است و بمثابة هر نظریه اقتصادی و اجتماعی دیگر مورد انتقاد نیز قرار گرفته است اما واقیت آن است که این شیوه از اداره امور مشترکات کماکان و با رفع کمبودهای احتمالی خود جای خود را باز نموده و همچنان رو به جلو در حال حرکت است و چنانچه به این شیوه با نگاهی خیرخواهانه بنگریم قطعاً از قابلیت دفاع بالایی برخوردار است.

تعاونیها در تمامی جوامع و کشورها مزایا و امتیازات خود را به مردم نشان داده‌اند. کارکرد تعاونیها اکثراً کارکردی مثبت و مفید بحال جامعه بوده است. مطالعه تعاونیها در جهان حکایت از آن دارد که چنین نهادهائی در داخل هر حکومتی و با هر نوع اقتصادی و احیاناً با هر تبعیضی اعم از نژادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی نهادی فایده رسان هستند. در واقع عمیق‌ترین معنا را در معنی تعاونی باید در زندگی مردم جستجو نمود. بعبارت دیگر تعاونیها امروزه در زندگی انسانها حضور داشته و همچنان بر حضور خود می‌افزایند.

در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد بسیاری از کالاهای کشاورزی در آمریکا، کانادا، اروپا، ژاپن، هندوستان، برزیل و آرژانتین و آفریقا توسط تعاونیهای کشاورزی اداره و به بازار مصرف عرضه می‌شود. ۱۷ درصد از بازار پس انداز در اتحادیه اروپا را بانکهای تعاونی به خود اختصاص داده‌اند و همچنین تعاونیهای پس انداز و اعتبار بین ۲۵ تا ۴۵ درصد جمعیت بزرگسال را در استرالیا، کانادا، ایرلند و آمریکا بعهده دارند.

تعاونیها کارگری در هندوستان، اندونزی، چین، و اروپا جزء تعاونیهای پیشرو بوده و سوئد و آمریکا به ترتیب در تعاونیهای مسکن و برق رسانی پیشرو و پیشرفته هستند. مردم آلمان می‌توانند مایحتاج خود را از جالب‌ترین فروشگاههای زنجیره‌ای

در اروپا خریداری نمایند و مردم انگلستان می‌توانند امور مربوط به بیمه خود را در بزرگترین شرکتهای بیمه که متعلق به تعاونیهاست به انجام برسانند. در ژاپن نوزادان بسیاری در بیمارستانهای تعاونی دنیا می‌آیند.

در سال ۱۹۹۲، از میان ۵۰۰ شرکت عمده صنعتی آمریکا در سراسر جهان ۱۴ شرکت متعلق به تعاونیها بوده است و در میان ۱۰۰ شرکت بزرگ خدماتی ۶ شرکت متعلق به تعاونی بوده است. بین ۵۵ تا ۷۰ درصد غله کانادا توسط چهار تعاونی بزرگ غله مدیریت و اداره می‌شود. کانادا سالانه حدود ۲۰ میلیون تن گندم صادر می‌نماید.

تعاونیها، امروز در اکثر زمینه‌ها اعم از خدمات تولیدی نظیر تولید محصولات صنعتی، معدنی، بازاریابی محصولات کشاورزی، خدمات رسانی به تولیدکنندگان، تولید کالاهای متنوع و خدمات مصرفی مانند تعاونیهای خرده فروشی محلی، مراقبت‌های پزشکی و بهداشتی، خدمات مسالی و پسولی عمده فروشیها و فروشگاههای بزرگ، مسکن و غیره و حضور داشته و فعالیت می‌نمایند.

امروزه در سطح جهان تعاونیها در اکثر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و در زمینه‌های گوناگون همچون خدمات مالی و اعتباری، بانکداری، پس انداز و اعتبار، بیمه، خدمات پزشکی و بهداشتی، صنایع دستی و هنرهای زیبا، ورزش، تفریحات و جهانگردی، خدمات مشاوره‌ای و حقوقی، مصرف، تولید، خدمات فنی و تکنولوژیک، صنعت، نیرو، کشاورزی، حمل و نقل، آموزش و پرورش، شیلات و جنگلداری، و صدها فعالیت دیگر حضور دارند و در بعضی از کشورها تعاونیها نقش طراز اولی را در تهیه کالا و خدمات مورد نیاز شهری و روستائی ایفا می‌نمایند.

در هندوستان تعاونیهای لبنیات و فرآورده‌های شیر و در سریلانکا تعاونیهای پس انداز از جمله تعاونیهای مثال زدن می‌باشند. شصت درصد تولید نیشکر در هندوستان در اختیار تعاونیهاست.

تعاونیها در کشورهای صنعتی و پیشرفته امروز در ابتداء بصورت خودجوش شکل گرفتند، هرچند اولین تعاونی مصرف موسوم به تعاونی کارگران را چدیل اهداف خود را بصورت یک تئوری منسجم که معمولاً در کتابها و مقالات مشاهده می‌شود تنظیم ننموده‌اند ولی ابتکارات و اقدامات عملی آنان موجب شد که طرفداران و حامیان چنین تفکری به گسترش آن بصورت عملی اقدام نمایند.

اما تعاونیها در کشورهای جهان سوم منجمه در کشور ما با حمایت و ابتکار دولت بوجود آمدند و این یک فرق اساسی در اشاعه و گسترش تعاونیها در جهان است.

تعاونیها، در جهان سوم به مثابه یک ابزار برای توسعه مطرح شده است، در صورتیکه تعاونیها در جهان صنعتی خود کمک کننده به امر توسعه بوده‌اند. هر چند تمایزاتی به این وسعت در مورد تعاونیها در دو جهان وجود دارند اما واقعت آنست که در هر حال تعاونیها به عنوان نظامی کارآمد مطرح هستند.

نگاهی به سیر تکاملی گسترش تعاونیها حکایت از آن دارد که تعاونیها همواره در برابر مشکلاتی که برای جامعه پیش آمده است سعی بر حل آن از طریق پشتکار و وفاداری به اصول انسانی اصرار نموده‌اند و همین اصل معتبر تاکنون موجب ارتقاء و اعتلاء آن شده است. امروزه در تمامی کشورهای جهان انواعی از شرکت‌های تعاونی وجود دارند که هرکدام به شدت و ضعف‌هایی که ناشی از نگرش به هویت تعاونی می‌باشند به کار خود

با عنایت به اینکه هدف ما در ارائه این مقاله توسعه دادن تعاونیهای کشاورزی می‌باشد لذا تعاونیها را در کشاورزی مورد ملاحظه قرار داده و سعی می‌شود که ارکان تعاونی در کشاورزی را که بایستی مورد توجه قرار گیرد بشرح و بسط آن پرداخته شود. همانگونه که در بخشهای پیشین ذکر شده، کشاورزی بعنوان یک نیاز برای بقا انسان نقش تعیین کننده‌ای نیز در توسعه یک کشور می‌تواند داشته باشد و غفلت از این بخش عموماً نتایج را به بار خواهد آورد که جبران ناپذیر خواهد بود. نیاز دائمی انسان به غذا و همچنین تولید و توزیع آن از جمله مقوله‌های هستند که تعاونی‌ها در به نظم درآوردن آن و بسود اکثریت مردم نقش قاطعی می‌توانند ایفاء نمایند.

با یک تعبیر می‌توان فکر تعاونی و همکاریهای متقابل را در کشاورزی با عمر بشر در این فعالیت یکسان دانست. قطعاً کشاورزان برای کارهای کشاورزی به کمک یکدیگر و در غالب زمینها می‌شتافتند. در کمتر روستائی در ایران می‌توان دید که بعضی از امور مشترک توسط روستائیان وجود نداشته باشد و بخشی از کارها بویژه در زمینه آب و آبیاری و با دقتی کامل که سازمان یافته نیز می‌باشد با همکاری روستائیان به انجام می‌رسد. کشاورزان در بسیاری از روستاهای کشورمان تفاهم کاملی برای برقراری بعضی از نظامات عملیاتی خاص کشاورزی و نیز روابط مالی بین یکدیگر همکاریهای موثری دارند. بین آنان روابط مالی بدون در نظر گرفتن رابطه سود و زیان بوفور جریان داشته و امروزه نیز کم و بیش وجود دارد. کشاورزان با همکاریهای یکدیگر بسیاری از جریانات نامطلوب را از پیش پای یکدیگر برمی‌دارند و حتی نسبت به داوریهائی که معمولاً توسط ریش



سفیدان و بزرگان روستا انجام می‌شود کردن می‌نهند و خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند. اینها و نمونه‌های بسیاری دیگر زمینه‌هایی هستند که در یک جامعه تعاونی نیز وجود دارند. منتهی واقعیت این است که علی‌رغم این موجودیت تعاون در روستائیان کشور ما منجر به یک سازمان رسمی و فراگیر و بطور خودجوش درنیامد که البته دلایلی را می‌توان برای این منظور برشمرد و به احتمال قوی وجود نظام خانی در روستاهای کشورمان مانع از انجام یک چنین سازمان فراگیری شده است.

در دهه ۱۸۸۰ کشاورزان کشورهای دانمارک، آلمان و انگلستان جزء اولین گروه از کشاورزانی بوده‌اند که تعاونیهای کشاورزی را تشکیل داده‌اند. کشاورزان برای کیفیت تولید و عرضه آن و همچنین بهبود وضع زندگی خود مشکل داشتند و لذا برای مقابله با مشکل و از طریق اندیشه تعاونی به جستجوی راهکار مناسب بودند و از رو تعاونیهای تولید کشاورزی را با پیگیری اهدافی نظیر بهبود کیفیت تولید، ثبات عرضه محصول و کمک به بهبود زندگی خود بنیان نمودند. شخصیت معروف تعاونی یعنی فرید ریش رایف آیزن که مشوق روستائیان برای تأسیس

بانکداری تعاون بود نهضت بانکداری را در آلمان پی ریزی نمود. پس از آن و به سرعت هزاران بانک تعاون در روستاهای آلمان که در سختی و مشقت بودند بوجود آمد و خیلی سریع چنین شیوه‌ای به سایر کشورهای اروپائی و سپس به بقی قاره‌های جهان راه یافت. اما واقعیت این است که بانکهای تعاونی روستائی که در اروپا توانست گامهای برجسته‌ای در جهت منافع اکثریت روستائیان بردارد، این ایده به خوبی آن چیزیکه در اروپا عمل کرد به کشورهای جهان سوم نتوانست راه یابد.

بدیهی است وقتی از تعاون و کشاورزی صحبت می‌کنیم به اصلی‌ترین سیاست عمران روستائی که خود بر سه اقدامات کلی اطلاق می‌گردد توجه‌ای خاص نباید داشته باشیم و توسعه و عمران روستائی یکی از جهت گیریهای اصلی تعاونیهای کشاورزی باید باشد. بهبود غذایی مردم کشور و نیز تأمین ارز و سرمایه و در نتیجه بالا بردن محصول خالص اقتصادی و همچنین بهبود زندگی مردم و جمعیت‌ها و بویژه کشاورزان از اقدامات کلی توسعه روستائی است که طبقاً ارکان تعاونیها بایستی بدان سمت گرایش نمایند و به آن بپردازند.

نوآوری، مشارکت و همکاری و انتقال دانش و تکنولوژی سه عاملی هستند که در توسعه روستائی از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردارند و تعاونی‌ها در تمامی این سه عامل دارای نقش و ظرفیت خاصی در به ثمر رساندن آن می‌باشند.

هر چند این جانب اعتقاد ندارم که تعاونیهای کشاورزی که امروز در کشورهای صنعتی وجود دارند می‌توانند الگوهای موفق برای کشور ما نیز باشند ولی بر این امر باید تأکید نمایم که بایستی زمینه‌هایی را بوجود آورد تا مشارکت و همکاری به معنای مشارکت خود خواسته و